

www.ketab.ir

تاریخ
گرافیک
در ایران

مقدمه ای بر

پرویز شادابی

سرشناسه: نتاوی، پرویز، ۱۳۱۶ -
عنوان و نام پندآور:
مقاله‌ای پرتاریخ گرافیک در ایران، پرویز نتاوی.
مشخصات نشر: تهران:
چاپ و نشر نظر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۲۳۲ ص.: مصور (رنگی).
شابک: ۳-۱۷۱-۱۵۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: قیفا
موضوع: ۶: گرافیک -- ایران -- تاریخ
موضوع: ۶: چاپ -- ایران --
صنعت و تجارت -- تاریخ
رده‌بندی کنگره: ۲۱۳۹۳: ۸۶ تا ۱۰۰۱ NC
رده‌بندی دیویی: ۷۶۰/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۹۳۶۲۴

مقدمه ای بر
تاریخ گرافیک در ایران
پرویز تناولی

مدیر هنری و طرح روی جلد: روشنگ مافی
چاپ عکس ها: پرویز تناولی
صفحه آرایی و انجرا: مجبویه مهربانی
ویراستار: فاطمه کاوندی
چاپ اول: ۱۳۹۳
تیراژ: ۱۶۰۰ جلد
امور پیش از چاپ: سعید کاوندی
مدیر تولید: مهدی ابراهیم
لیتوگرافی: کجالی
امور آماده سازی و انتشار: چاپ و نشر نظر
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۲-۱۷۱-۳

بدینوسیله پدیدآورنده از همکاری های بی دریغ
خانم نینا اسدی برای در اختیار گذاشتن
مجموعه اسناد و مولا، یاد، سپید مقدم و
مجبویه مهربانی برای همراهی و صبوری در
مرحله مختلف این کتاب تشکر می نماید.

هرگونه استفاده از متن و تصاویر کتاب صرفاً با
اجازه ی کتبی ناشر یا پدیدآورنده مجاز می باشد.
© تمام حقوق برای ناشر محفوظ است.

پیشگفتار	۹
چاپ در ایران	۱۳
چاپخانه‌ها	۲۷
ناشر و تیراژ کتاب	۳۳
کتاب	۳۵
صفحه‌آرایی	۳۹
آغاز تصویرگری در چاپ	۵۵
تصویرگران کتاب‌های چاپ سنگی	۵۷
روزنامه	۱۰۹
کاریکاتور	۱۳۱
تجددگرایی و کالاهای خارجی	۱۴۹
اعلان، آگهی و تبلیغ	۱۵۱
سیگار	۱۵۳
گرامافون، رادیو، لوازم خانگی و دیگر کالاها	۱۵۹
دوچرخه، ماشین و دیگر کالاها	۱۷۳
بسته‌بندی	۱۷۹
پُسترهای مذهبی	۱۸۵
اثرات چاپ سنگی بر دیگر هنرها	۲۰۵

می‌گویند اختراع چاپ از عوامل اصلی پیدایش رنسانس در ایتالیا و سرآغاز تمدن جدید در اروپا بوده است. اگر همین تصور را در مورد ایران به کار ببریم و آغاز تجدد و بیداری ایرانیان را در قرن نوزدهم از پیامدهای صنعت چاپ بشماریم، اغراق نکرده‌ایم و باز اگر صنعت چاپ را دستمایه‌ی بسیاری از پدیده‌ها و افکار نو و یکی از هیجان‌انگیزترین اخبار دوران قاجار به حساب آوریم و بسیاری از تحولات هنری آن زمان را منتج از صنعت چاپ بدانیم، زیاده نگفته‌ایم البته این کتاب کوچک در پی آن نیست تا اثری را که صنعت چاپ در امور مختلف جامعه‌ی ایران داشته بازگو کند، یا حتی فهرست وار به آن‌ها بپردازد؛ بلکه در نظر دارد پیامدهای صنعت چاپ را بر گرافیک سنتی ایران و اثرات دیگری را که کتاب‌ها و روزنامه‌های چاپ‌سنگی بر شاخه‌های دیگر هنر ایران داشته، به علاقمندان آن یادآوری کند.

آشنایی من با کتاب‌های چاپ‌سنگی به چهل سال پیش برمی‌گردد. در آن هنگام مشغول نوشتن کتاب *قالیچه‌های تصویری ایران* بودم و به هر دری می‌زدم تا به منابع الهام و الگوهای مورد استفاده در این قالیچه‌ها دست یابم بالاخره کلید این معما را در میان کتاب‌های چاپ‌سنگی یافتیم و نمونه‌هایی از تصاویر این کتاب‌ها که فرش‌بافان و نقاشان قالی از آن‌ها استفاده می‌کردند را در آن کتاب آوردم و مختصری هم به صنعت چاپ اشاره کردم! بعدها متوجه شدم حق مطلب را در مورد این کتاب‌ها و هنرمندانی که آن‌ها را مصور کرده‌اند، ادا نکرده‌ام و بر آن شدم تا با جمع‌آوری نمونه‌های بیشتر، به معرفی بهتری از آن‌ها بپردازم و اینکه که این فرصت فراهم شده، بد نیست به چند نکته اشاره کنم.

کتاب حاضر حاصل آثار جمعی از اولین تصویرگران کتاب‌های چاپی یا به قول امروزی‌ها اولین گرافیکست‌های ایران است. حق آن بود که چنین کتابی سال‌ها پیش منتشر می‌شد و در دسترس هنرجویان رشته‌ی گرافیک قرار می‌گرفت تا با آغازگران این رشته آشنایی پیدا می‌کردند و سرآغاز گرافیک ایران را به غلط چهل - پنجاه سال اخیر نمی‌شمردند.

اگرچه تأسیس دانشکده‌های هنری، ابتدا دانشکده‌ی هنرهای زیبا در سال ۱۳۲۷ ه.ش و سپس هنرکده‌ی هنرهای تفریحی در سال ۱۳۴۰ ه.ش حادثی مهمی در هنر ایران بود؛ اما خسران‌ها و کاستی‌هایی هم در پی داشت. یکی از این کاستی‌ها قطع رابطه‌ی استادان و دانشجویان این دانشکده‌ها با هنرمندان سنتی بود. اساتید این دانشکده‌ها که اغلب تحصیل کرده‌های فرهنگ و شیفته‌ی تمدن آن دیار بودند، معاشرت و مباحثات با استادکاران سنتی را کسر شأن خود می‌دانستند و شاگردان‌شان را چون خود باری می‌آوردند. به این ترتیب رابطه‌ی هنرمندان سنتی و دانشگاهی قطع شد و با قطع آن، فرصت ثبت و ضبط فنون و تجربیات آخرین نسل هنرمندان قاجاری از میان رفت و گنجینه‌های پرغنائی - که ریشه در تجربیات چند صد ساله داشت و در سینه و دستان

این هنرمندان نهفته بود، همراهشان به زیر خاک رفت. مشهودترین اثرات این ضایعات در معماری و پس از آن در نقاشی و شاخه‌های وابسته به آن از جمله گرافیک دیده می‌شود. امروزه اگر کسی بخواهد از صدها کتاب مصور چاپ‌سنگی قاجاری چند نمونه تهیه کند، باید راه درازی بپیماید و محققى که بخواهد از چاپخانه‌های این رشته سردربیاورد، نه چاپخانه‌ای خواهد یافت و نه دستگاه و سنگی.

معلوم نیست بر سر صدها سنگ بزرگ و قطور و صیقل شده‌ی چاپ‌سنگی چه آمده و سرنوشت دستگاه‌های چاپ به کجا ختم شده است. سال‌هاست که صاحب این قلم در پی یکی از این دستگاه‌ها بوده و به چاپخانه‌های قدیمی تهران و تبریز و شیراز و اصفهان و دیگر شهرها سر زده و از دست‌اندرکاران قدیمی چاپ، سراغ این دستگاه‌ها و سنگ‌های مربوط به آن‌ها را گرفته، اما هیچ سرنخی به دست نیاورده است.

چگونه است که مردم فرنگ که مخترعان و عرضه‌کنندگان ماشین‌آلات جدیدند و هر روز از آن‌ها استفاده می‌کنند، به انواع قدیمی‌تر نیز ارج می‌نهند و برای آن‌ها مواردی مخصوص می‌سازند؛ اما خلاف آن‌ها، ما همین که به محصولی نو دست یافتیم، از کهنه‌اش چنان دل‌آزار می‌شویم که آن را به دور می‌اندازیم و نابود می‌کنیم راستی چرا ایرانیان که شیفته‌ی نوآوری هستند و اندکی پس از هر اختراع، آن مصبوع را به ایران می‌آورند و باعث شور و شوق جامعه می‌شوند، رغبتی به ثبت و نگهداری آن‌ها ندارند؟ کجاست اولین ماشین‌ها، دوربین‌های عکاسی و سینماتوگرافی؟ و کجاست آن همه دستگاه چاپ و هزاران سنگ آن‌ها؟